

بررسی ماده (۶۲) مکرر قانون مجازات اسلامی (محرومیت‌های اجتماعی)

محمد رضا اسکندری

مقدمه:

برای تشخیص ذهن مخاطب آورده شود. چون به نظر می‌رسد که در هر نوشتار علمی، فرهنگی و... این گفتار مفید مقصود است. این مختصر مطالعه تحقیقاتی که بر مبنای معیار کلی هر تحقیق که باید مبتنی بر حق جویی و حق خواهی، حق‌گرایی، حق‌باوری، حق‌گستری و حق‌نویسی باشد، قرار دارد؛ چرا این که وقتی «حق» به باب «تفعیل» می‌رود و تحقیق ساخته می‌شود، مراحل تحقق ماهوی آن جز این نیست. در این نوشتار کوتاه که در سه فصل تنظیم شده، در فصل اول آن از کلیات موضوع بحث شده؛ یعنی تعاریفی از مجازات‌های تبعی و محرومیت‌های اجتماعی به میان آمده و وجوه مشترک و افتراق آن با مجازات‌های تتمیمی ارائه شده است و در فصل دوم، تفسیر و تبیین محرومیت‌های اجتماعی و تشریح خصوصیات آن در قانون مجازات عمومی سابق و در فصل سوم بر همین اساس، تشریح و توضیح مجازات‌های تبعی موضوع ماده (۶۲) مکرر مصوبه سال ۱۳۷۷ به میان آمده و در پایان، از مطالب ارائه شده نتیجه‌گیری می‌شود. امید است با توجه به بنیه عملی نگارنده با پرهیز از هرگونه پیش‌داوری که لازمه هر تحقیق سالم است و اتکا بر خلوص و تقوا که از منابع مهم تحقیق است، که بدون آن هیچ تحقیقی به ثمر نخواهد رسید، توانسته باشیم حق مطلب را ادا کرده و روزنه‌ای در جهت تاءمل بیشتر اهل فن ایجاد نموده باشیم.

فصل اول: «مفاهیم و تعاریف»

۱. تعریف مجازات‌های تبعی:

منظور مجازات‌هایی است که به دنبال مجازات اصلی موضوع حکم مقام قضایی به موجب قانون خواهد آمد، و نیازی به ذکر آن در احکام محاکم نمی‌باشد؛ بلکه خودبه‌خود و به تبع مجازات اصلی گریبان مجرم را خواهند گرفت. البته با این خصوصیات که الزاماً محدوده آنها محصور به قانون است و به‌طور مثال: چنانچه فرزندی پدر خود را به قتل برساند، از ارث او محروم خواهد شد؛ یا اگر یکی از اعضای ثابت نیروهای مسلح، مازاد بر دو سال به حبس تعزیری

محرومیت اجتماعی که در قوانین جزایی احصا شده است، از جمله مجازات‌های محدودکننده آزادی افراد، از دیرباز با این فلسفه حقوقی تدوین شده‌است که محکوم‌علیه پس از گذراندن یک دوره محرومیت اجتماعی، فرصت اصلاح و بازگشت به جامعه را در خود تقویت کند، بلکه حالت خطرناکی او تا حدودی سرکوب و کاسته گردد، و موجبات تشفی خاطر جامعه، با گذشت این ایام تحصیل گردد. بنابراین، قانونگذار با اعمال این سیاست کیفری، راه اصلاح و جلوگیری از تکرار محکوم‌علیه و افکار عمومی را تسهیل نموده است.

اما قانونگذار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تکیه بر بعضی معیارهای اسلامی و ارزش‌های والایی که مبتنی بر احترام کامل به حدود آزادی‌های فردی بوده، قریب به بیست سال از اعمال مجدد این سیاست کیفری خودداری کرده و این ماده را مورد بی‌مهری خود قرار داده؛ ولی با گذشت این مدت و تحلیلهای علمی از سوی محققین و اندیشمندان و دکترین علم حقوق، به این نتیجه رسید که باید مجدداً این مجازات‌های تبعی را احیا کند، چرا که راه خیر و صواب جامعه را در اعمال این دسته از مجازات‌ها دانست و در خرداد ۱۳۷۷، تحت عنوان ماده (۶۲) مکرر در سه بند و پنج تبصره، به تفصیل آن را به قانون مجازات اسلامی الحاق نمود و اکنون به این بهانه در مقام تحلیل جایگاه آن برآمد تا در نگاه اول اهمیت وجودی این ماده را مورد بررسی قرار داده و در نگاه بعدی بحثی تحلیلی از حیث علمی از آن داشته باشیم، تا بلکه لزوم وجودی این مجازات را با رشد کمی و کیفی جامعه اسلامی مورد بررسی قرار داده باشیم و از سوی دیگر، با یک دید صرفاً علمی از دریچه عرف قانون‌نویسی آن را مورد توجه قرار دهیم.

طرح کلی از مطالب ارائه شده:

بعد از بیان مقدمه که بحث از اهمیت موضوع و جایگاه آن در قانون جزائی داشته اکنون لازم است طرح کلی از مطالب ارائه شده

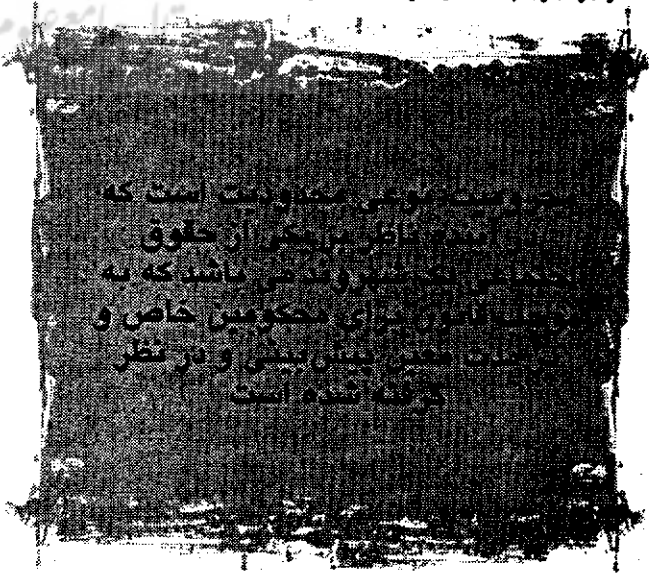
یا به مجازات مستوجب حد محکوم گردد، خود به خود و به تبع مجازات اصلی، از نیروی مربوط رها خواهد شد؛ یا قاذف از ادای شهادت نزد حاکم محروم خواهد بود.

۲. تعریف محرومیت‌های اجتماعی:

محرومیت، نوعی محدودیت است که در آینده ناظر بر یکی از حقوق اجتماعی یک شهروند می باشد که به موجب قانون برای محکومین خاص و در مدت معین پیش‌بینی و در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال: با حق داوطلب شدن در شوره‌های مختلف و احراز سمت داور، کارشناسی، استخدام در دستگاه‌های دولتی و عضویت در انجمن‌های علمی و فرهنگی و دیگر حقوق اجتماعی که یک فرد در جامعه می‌تواند کسب نماید. که در اینجا قانونگذار به لحاظ بیم تکرار و تجری محکوم‌علیه و دیگران، مجرم را از بعضی حقوق اجتماعی به «میزان» مدت زمان معین محروم می‌کند که پس از تحمل کیفر اصلی، گریبان مجرم را برای مدت محدودی خواهد گرفت.

۳. وجوه اشتراک و تمایز مجازات‌های تبعی و تميمی:

وجوه اشتراک: تميم مجازات برای اولین بار در قانون مجازات‌های کیفری در سال ۱۳۷۰، توسط قانونگذار به عنوان یک تاسیس حقوقی جدید آورده شد. این مجازات، در قانون مجازات عمومی سابق، مسبوق به سابقه نبوده و به نظر می‌رسد ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی که تحت عنوان مجازات تميمی پیش‌بینی شده بود، به نوعی جایگزین این خلاء قانونی بود، که محرومیت اجتماعی نسخ شده را تا حدودی آورده است. اما وجه مشترک آن با مجازات تبعی، یکی این که هر دو دسته ناظر بر سلب محدودیت‌های اجتماعی مجرم بوده و هر دو مجازات به لحاظ بیم حالت خطرناک متهم در نظر گرفته شده بودند و وجه مشترک دیگر، اینکه هر دو مجازات ناظر بر جرایم عمدی بوده است و به لحاظ وجود بیم تکرار جرم



بوده‌اند.

وجوه تمایز: یکی از جهات تمایز این که مجازات‌های موضوع ماده (۱۹) ق.م.ا، (تميمی) الزاماً می‌بایست در متن حکم آورده شوند؛ ولی مجازات‌های تبعی محدودکننده نیاز به درج در متن حکم ندارد و به دنبال مجازات اصلی اعمال می‌شوند؛ وجه دیگر تمایز این است که مجازات‌های تميمی عمدتاً و عملاً ناظر بر اقامت اجباری یا منع اقامت در محل معین بود، ولی مجازات‌های تبعی یا محرومیت‌های اجتماعی، دامنه وسیعتری داشته و شامل محدودیت در حقوق عمده اجتماعی فرد، اعم از محرومیت از داوطلب شدن برای شوراها، داور شدن در جلسات رسمی، شهادت دادن در محاکم قضایی و تصدی مشاغل آموزشی و استخدام در دواير دولتی بود.

فصل دوم:

محرومیت‌های اجتماعی در قانون مجازات عمومی سابق:

بحث محرومیت‌های اجتماعی در قانون مجازات عمومی سابق که از ماده (۱۵) تا (۱۹) در باب اول، فصل سوم وارد شده بود، در ماده (۱۵) آن^(۱) که ضمن احصای این نوع مجازات‌ها به نکته‌ای اشاره شده بود؛ و آن اینکه چنانچه این مجازات‌ها در متن حکم صادر شده آمده باشند، در حکم مجازات تکمیلی و چنانچه در متن حکم، اسمی از آنها برده نشود، در حکم مجازات تبعی تلقی می‌شوند و همچنین، اگر مستقلاً به موجب قانون مورد حکم واقع می‌شوند، جرم مذکور از درجه جنحه محسوب می‌گردد.

همچنین در تبصره "۳" همین ماده،^(۲) محرومیت‌های اجتماعی را بیان شده بود و در ماده (۱۹) مقرر داشته بود که چنانچه محکومین جرایم عمدی که محکوم به حبس جنایی (از ۳ تا ۱۵ سال) یا مجازات آنها اعدام باشد، مورد عفو قرار می‌گرفتند، تبعاً از کلیه حقوق اجتماعی مذکور محروم می‌شدند و قاضی مجدداً می‌توانست پس از اتمام دوره محرومیت، یک اقامت اجباری که حداکثر سه سال باشد، برای مجرم در نظر گرفته و اعمال کند.

همچنین ماده (۱۹) و تبصره "۶" آن، دایره شمول این محرومیت‌ها را به جنحه‌های خاص (مسائل امنیتی، سکه قلبه جعل و...) و همین‌طور جنایت‌های عمدی که با رعایت تخفیف به حبس جنحه‌ای تقلیل داده می‌شوند، سرایت داده و مدت تحمل محرومیت این دسته از جرایم حداکثر پنج سال از تاریخ اتمام مجازات اصلی قرار داده شده بود.

همچنین در تبصره "۵" ماده (۱۹) تمهیداتی را جهت اصلاح جرم پیش‌بینی نموده است که در این جهت به دادگاه صادرکننده رأی اختیار داده است تا چنانچه محکوم‌علیه از خود حسن اخلاق نشان داده، به پیشنهاد دادستان مجری حکم، قسمتی از ایام

محرومیت را تقلیل داده، تا شاید ضمن اصلاح مجرم، وی زودتر به حقوق اجتماعی خود بازگردد و از آنها بهره‌مند شود.

خصوصیات مجازاتهای تبعی (محرومیت‌های قانونی)

۱. نوع جرایم مستوجب محرومیت:

با توجه به سیاست کیفری سابق که جرایم را به جنایت و جنحه و خلاف تقسیم‌بندی کرده بود؛ قانونگذار وقت، اعمال محرومیت‌ها را تنها شامل جنایت و جنحه نموده بود که در ماده (۱۹) قانون مذکور به این نکته اشاره داشت که، هرکس در نتیجه ارتکاب جرم عمدی که به حبس جنایی (درجه یک از ۳ تا ۱۵ سال و درجه دو از ۲ تا ۱۰ سال) محکوم می‌شد یا مجازات اعدام او در نتیجه عفو به حبس جنایی تبدیل می‌گردد، تبعاً از کلیه حقوق اجتماعی محروم می‌گردید. و در تبصره "۱" ماده (۱۹)، جنحه‌های مشمول محرومیت را بدین ترتیب احصا نموده بود: ۱. جرایم جنحه‌ای مضر به مصالح عمومی؛ ۲. سرقت‌های جنحه‌ای؛ ۳. کلاهبرداری؛ ۴. خیانت در امانت.

۲. مدت محرومیت از حقوق اجتماعی

مدت تحمل محرومیت از حقوق اجتماعی برحسب نوع و دسته‌بندی کلی جرایم (جنایت و جنحه) متفاوت بود. بدین شکل که هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به حبس جنایی (درجه ۱ و ۲) محکوم می‌شد یا مجازات اعدام او در نتیجه عفو به حبس جنایی تبدیل می‌گردید، تبعاً برای همیشه از کلیه حقوق اجتماعی محروم می‌شد و مضافاً اینکه دادگاه صادرکننده حکم می‌توانست پس از اتمام دوران محکومیت اصلی، این محکوم را به مدتی که از سه سال تجاوز نکند از اقامت در نقطه معین یا به اقامت در محل معین مجبور کند. و در مورد محکومیت به جرایم جنحه‌ای (حبس از ۶۱ روز الی ۳ سال و جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا) یا کسانی که به علت ارتکاب جنایت عمدی با رعایت تخفیف به حبس جنحه‌ای محکوم می‌شدند، به مدت پنج سال از حقوق اجتماعی موضوع تبصره "۲" ماده (۱۵) همان قانون محروم می‌گردیدند، بنابراین، ملاحظه می‌گردد که قانونگذار در جرایم مستوجب مجازات جنایی، به مدت نامعلوم و در مجازات‌های جنحه‌ای به مدت حداکثر پنج سال محرومیت اعمال می‌نمود.

۳. کیفیت اجرای مجازات‌های تبعی و تکمیلی (اقدامات تأمینی): مستند ماده (۱۵) قانون موصوف. که قبلاً بیان شده بود. مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی که به طور یکجا در یک ماده بیان شده بود، کیفیت اجرا و اعمال آنها بدین شکل بود که چنانچه هر کدام از آنها در متن حکم صادر شده آورده می‌شد، تکمیلی محسوب می‌گردید و چنانچه قانوناً و بدون درج در حکم آورده می‌شد، تبعی تلقی می‌گردید. لذا نکته قابل توجه

یکی از جهات تمایز این که مجازات‌های موضوع ماده (۱۹) ق.م.ا. (قلمنی) الزاماً می‌بایست در متن حکم آورده شوند. ولی مجازات‌های تبعی محدودکننده نیاز به درج در متن حکم ندارند و به دنبال مجازات اصلی اعمال می‌شوند.

در این تمهیدات قانونگذار این بود که قاضی را مخیر کرده بود که به تناسب می‌توانست هر کدام از موارد ششگانه مجازات را به لحاظ بیم حالت خطرناک مجرم تکمیلأ به عنوان مجازات بر محکوم علیه تحمیل نماید و اگر این کار را هم نکرد، مجازات‌های مذکور تبعاً متوجه مجرم می‌گردید.

۴. نوع محرومیت‌های اجتماعی و مجازات‌های تکمیلی:

قانونگذار ابتدائاً در متن ماده (۱۵) به معرفی مجازات‌های تبعی و تکمیلی پرداخته و سپس در تبصره "۲"، نوع محرومیت‌ها موضوع بند "۱" ماده (۱۵) را برشمرده است. که به طور اختصار به معرفی آنها خواهیم پرداخت:

الف) مجازات‌های تبعی و تکمیلی: ۱. محرومیت از حقوق اجتماعی، ۲. اقامت اجباری در محل معین، ۳. ممنوعیت از اقامت در محل معین، ۴. محرومیت از اشتغال به کسب معین یا الزام به انجام امر معین، ۵. بستن مؤسسه، ۶. محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وصایت یا نظارت.

ب) محرومیت‌های اجتماعی: ۱. محرومیت از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس مقننه، ۲. محرومیت از حق عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراهای قانونی، ۳. محرومیت از عضویت در هیئت منصفه و امانا، ۴. محرومیت از اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری، ۵. محرومیت از استخدام در سازمان‌های دولتی و شرکتها، ۶. محرومیت از وکالت دادگستری و کارگشایی و تصدی دفاتر اسناد رسمی، ۷. محرومیت از انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی، ۸. محرومیت از انتخاب شدن به سمت قیم یا امین یا متولی یا ناظر یا متصدی موقوفات عام، ۹. محرومیت از استعمال نشان و مدال‌های دولتی و استفاده از امتیازات دولتی و عناوین افتخاری.

قانونگذار سابق مستنداً به تبصره ۵ ماده (۱۹) ناظر بر تقلیل ایام محرومیتهای تبعی و تکمیلی و محرومیتهای اجتماعی، راهی را مفتوح نموده که این نوع محکومین بتوانند راه بازگشت به جامعه و کسب حقوق اجتماعی خود را همواره داشته باشند و مشوقی برای اصلاح آنها ایجاد نموده بود.

بنابراین، ملاحظه می‌گردد که قاضی در جرایم عمدی مخیر بود، فرد جانی را به این گستردگی و به تناسب به‌طور مطلق و یا مقید و محدود به زمان خاصی از حقوق اجتماعی محروم کند تا بلکه باعث تشفی خاطر جامعه که از بروز چنین جنایتی مکرر گردیده بود، بشود و محکوم‌علیه را هم به سمت اصلاح، هدایت کند. هر چند راه بازگشت او با صلاح‌دید قاضی صادرکننده و دادستان مجری حکم مفتوح بود.

۵. زوال و رفع اثر از محرومیتهای تبعی و تکمیلی:

قانونگذار سابق مستنداً به تبصره ۵ ماده (۱۹) ناظر بر تقلیل ایام محرومیتهای تبعی و تکمیلی و محرومیتهای اجتماعی، راهی را مفتوح نموده که این نوع محکومین بتوانند راه بازگشت به جامعه و کسب حقوق اجتماعی خود را همواره داشته باشند و مشوقی برای اصلاح آنها ایجاد نموده بود. بدین شکل که اگر حین اجرای حکم یا آثار تبعی آن، از خود حسن اخلاق نشان می‌دادند، بنا به پیشنهاد دادستان مجری حکم، دادگاه صادرکننده حکم می‌توانست مدت ممنوعیت از اقامت اجباری یا اجبار به اقامت یا محرومیت از بعضی یا تمام حقوق اجتماعی را تقلیل داده و یا تمام یا قسمتی از مجازاتها و اقدامات تأمینی مزبور را موقوف‌الاجرا نماید و حکم دادگاه در این مورد قطعی بود.

بنابراین، ملاحظه می‌گردد که قانونگذار علاوه بر اتمام مدت محرومیت تبعی و تکمیلی که خود زمان زوال اثر آنها را تعیین کرده بود، تمهیداتی منصفانه در جهت اصلاح فرد خاطی و بازگشت او به جامعه فراهم نموده بود، تا معیاری برای زوال آن آثار هم به‌صورت فوق‌العاده تعیین کرده باشد.

فصل سوم:

محرومیتهای اجتماعی و مجازاتهای تبعی و تمیمی در قانون مجازات اسلامی

بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و تصویب قانون مجازات اسلامی-که باید اذعان داشت قانون مجازات کشور اسلامی ما هم ناگزیر از یک تحول بنیادی بود- همان‌گونه که اشاره شد، محرومیتهای اجتماعی در قانون سابق در مواد (۱۵ الی ۱۹) به تفصیلی که بیان شد، آورده شده بود و اما در قانون مجازات اسلامی که جایگزین قانون سابق گردید، دیگر اشاره‌ای به این نوع مجازاتها (محرومیتهای اجتماعی) نشده بود، بلکه شورای عالی قضایی وقت طی بخشنامه‌ای اعلام داشت، صدور احکام به محکومیت کیفری به تنهایی موجب محرومیت از حقوق اجتماعی نخواهد شد، مگر اینکه در قوانین مصوب مجلس به این محرومیت تصریح شده باشد. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که عملاً در قانون جزای جدید، محرومیتهای اجتماعی جایگاه مهمی نداشته، بلکه به‌طور ضمنی به علت خلاء قانونی و مصوبه شورای عالی قضایی نسخ شده و این نوع محکومیتها مورد توجه قرار نگرفتند. اما در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی برای اولین بار در تاریخ حقوقی و قانونگذاری کشور، تأسیسی جدید به‌عمل آمد و واژه‌ای به‌نام متمیم مجازات ایجاد گردید که به‌نظر می‌رسید جایگزین همان مجازاتهای تکمیلی محرومیتهای اجتماعی گردیده است و عمده‌تاً ناظر بر محرومیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین یا اجبار به اقامت در محل معین بود و در عمل، برای تعریف و شناسایی محرومیتهای اجتماعی باید به قانون مجازاتهای تأمینی و تربیتی سال ۱۳۳۹ رجوع می‌شد که این هم کافی نبود، بنابراین، این ماده جدید نه‌تنها پرکننده خلاء قانونی نبوده، بلکه محدود کننده اعمال اقامت اجباری و منع اقامت در محل معین بود که این نوع محکومیت ماهیتاً مجازات تبعی نبود، بلکه مجازات تکمیلی محسوب می‌شد. اما بعد از گذشت قریب به بیست سال، که این دسته مجازاتها مورد بی‌مهری قانونگذار بود، مجدداً به همت علمای حقوق و توجه خاص قانونگذار به نظریه دکتترین حقوق، توفیق این امر پیدا شد که فصل جدیدی از محرومیتهای تبعی (محرومیتهای اجتماعی) پا به عرصه قانونی بگذارد؛ که نگارنده بر آن است در یک مقایسه قانونی، موضوع ماده (۶۲) مکرر مصوبه خرداد ۷۷ مجلس شورای اسلامی را مورد بررسی قرار دهد که ان‌شاءالله مورد قبول اهل فن قرار بگیرد.

خصوصیات ماده (۶۲) مکرر (محرومیتهای اجتماعی)

۱) نوع جرایم مستوجب محرومیتهای:

ماده (۶۲) مکرر مقرر داشته است: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح ذیل، محکوم‌علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید و پس از انقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم، رفع اثر می‌گردد: ۱. محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد،

۲. محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، ۳. محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال...»
از این ماده دو نکته در نوع محرومیتها به نظر می‌رسد که عبارتند از:

اولاً: محکومیت باید قطعی و لازم‌الاجرا باشد. ثانیاً: جرم موردنظر عمدی باشد. در این ماده، سه نوع محکومیت موردنظر قرار گرفته: یکی در قطع عضو، مثل ایراد ضرب و جرح عمدی و دیگری محکومیت به شلاق که ناشی از شرب خمر، قذف، زنا، لواط و... و نیز محکومیت‌های به حبس تعزیری زاید بر سه سال، که در اینجا منظور مجازات قانونی نیست بلکه ملاک حبس مندرج در حکم قاضی می‌باشد که منجر به حبس زاید بر سه سال ناشی از هر جرم که مجازات آن جنبه تعزیری داشته باشد از قبیل کلاهبرداری، سرقت، اختلاس، آدم‌ربایی و... است.

همچنین پس از تعیین این سه نوع محکومیت قانونگذار در تبصره ۳^۲ همین ماده، مجازات اعلامی که به هر جهت متوقف شده باشد را هم مستوجب تحمل محرومیت از حقوق اجتماعی دانسته. بنابراین، انواع جرایم مستوجب محرومیت که در ماده (۶۲) مکرر برشمرده شده است، چهار نوع می‌باشند.

۲. مدت زمان تحمیل محرومیتها:

در متن ماده (۶۲) مکرر، مدت زمان تحمیل محرومیت را بنا به نوع جرایم، متفاوت تعیین شده است. بدین شکل که در قطع عضو، مدت محرومیت را پنج سال و در شلاق که مستوجب حد می‌باشد یک سال و در حبسهای تعزیری زاید بر سه سال، مدت دو سال محرومیت در نظر گرفته است؛ و برای نوع چهارم که مجازات اعلامی که به هر دلیل متوقف شده است، مدت هفت سال محرومیت را پیش‌بینی کرده است.

در اینجا باید اذعان داشت، با توجه به رشد حداکثر مجازاتها در

طول سالهای گذشته که حتی قانونگذار جمهوری اسلامی در تعیین مجازاتها این امر را در نظر داشته است؛ لکن در تعیین میزان تحمیل محرومیتها با توجه به ملاک بیست سال قبل که برای جرایم جنبه حدی بود، شاید بتوان با همان جرایم تعزیری مقایسه کرد، قانونگذار سابق پنج سال در نظر گرفته بود ولی اکنون نه‌تنها این ایام اضافه نشده بلکه کمتر هم شده است و در جنایت سابقاً محدودیت زمانی قائل نشده بود، ولی امروز بعد از بیست سال ما تنها برای یک فرد جانی پنج سال محرومیت در نظر گرفته‌ایم و تنها موردی که شاید نتوان ایراد گرفت، در مجازات حق الهی است که قانونگذار محرومیت یکسانی در نظر گرفته است، که به‌همین علت، چون تجاوز به حدود الله است نمی‌توان ایرادی گرفت؛ بلکه شاید همین حد هم متناسب بوده باشد. بنابراین، به‌نظر نگارنده، این مدت محرومیت احصا شده در ماده (۶۲) مکرر قابل تأمل و تجدید نظر می‌باشد.

۳. نوع محرومیت‌های اجتماعی:

نوع محرومیت‌های اجتماعی احصا شده در ماده (۶۲) مکرر، در تبصره ۳^۳ آن معرفی شده‌اند که عبارتند از:

الف: حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خیرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری؛
ب: عضویت در کلیه انجمنها و شوراها و جمعیت‌هایی که اعضای آن به‌موجب قانون انتخاب می‌شوند؛

ج: عضویت در هیأت‌های منصفه و امانا؛

د: اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری؛

ه: استخدام در وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی، شرکتها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداریها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و نهادهای انقلابی؛

و: وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی، ازدواج و طلاق و دفترباری؛

ز: انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی؛

ح: استفاده از نشان و مدالهای دولتی و عناوین افتخاری.

اگر در مقام مقایسه باشیم، ملاحظه می‌گردد که نوع محرومیتها در سابق همین بوده است. به‌علاوه، محرومیت از انتخاب شدن به سمت قیم یا امین یا متولی یا ناظر یا متصدی موقوفات عام، که به‌حق محرومیت متناسبی بوده است، چرا که فرد جانی که مرتکب قتل و یا ضرب و جرح عمدی شده یا تجاهر به فسق کرده حق تولیت اماکن متبرکه یا احراز سمت قیم شدن را نداشته. در طرح محرومیت‌های جدید متأسفانه این نکته مهم لحاظ نگردیده است، که خود باعث تأمل و تفکر است، هر چند شاید پاسخ داده شود، یکی از شرایط احراز این سمتها نداشتن سوابق کیفری باشد. پس

امروز بعد از بیست سال ما تنها برای یک فرد جانی پنج سال محرومیت در نظر گرفته‌ایم و تنها موردی که شاید نتوان ایراد گرفت، در مجازات حق الهی است که قانونگذار محرومیت یکسانی در نظر گرفته است، که به‌همین علت، چون تجاوز به حدود الله است نمی‌توان ایرادی گرفت؛ بلکه شاید همین حد هم متناسب بوده باشد

اگر این محرومیت در جای دیگری لحاظ شده باشد، چرا مستقیماً به عنوان محرومیت مطرح نشده تا اهمیت آن را بیان کرده باشیم.

۴. زوال و رفع اثر از محکومیت‌های تبعی:

رفع اثر یا اتمام محکومیت‌های تبعی یا پایان زمان محرومیت‌های اجتماعی در ماده (۶۲) مکرر؛ اولاً: نقطه پایان این محرومیت‌ها را باید در مرحله عادی در زمان تعیین شده قانونی که در صدر ماده آمده است جستجو کرد. که به عبارتی، برای محکومان به قطع عضو پنج سال و در محکومیت‌های مستوجب شلاق حدی یک سال و در حبس‌های تعزیری بیش از سه سال، دو سال خواهد بود. ثانیاً: در مرحله فوق‌العاده بدین شکل خواهد بود که چنانچه تبصره «۳» همین ماده مقرر داشته است:

«چنانچه اجرای مجازات اعدام به جهتی از جهات متوقف شود؛ در این صورت، آثار تبعی آن پس از انقضای هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم رفع می‌شود.» یعنی، چنانچه کسی از حکم قصاص نفس به هر شکل نجات پیدا کرده، آثار محکومیت‌های تبعی او پس از هفت سال زایل خواهد شد.

در حالت دیگر، در جرایم قابل گذشت مستند تبصره «۳» که مقرر داشته است: «در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات موقوف شود، اثر محکومیت کیفری زایل می‌گردد.» یعنی، چنانچه محکوم‌علیه در حین اجرای حکم، توسط شاکی خصوصی بخشیده شد و قاضی صادرکننده حکم بدوی رأی به توقیف اجرای حکم مذکور داد، از همان لحظه آثار تبعی حکم زایل خواهد شد. ملاحظه می‌گردد، این تبصره تنها ناظر بر بند «۳» ماده (۶۲) مکرر (جرایم تعزیری) خواهد بود.

و در حالت فوق‌العاده، زمان عفو عمومی یا عفو موردی یا عفو مشروط است که در تبصره «۵» ماده (۶۲) مکرر مقرر داشته است: «در مواردی که عفو مجازات، آثار کیفری را نیز شامل می‌شود، همچنین در آزادی مشروط، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم‌علیه رفع می‌گردد.»

این تبصره ناظر بر عفوهای عمومی و مشروط است که تکلیف انقضای آثار تبعی را در این حالت روشن و تبیین کرده است. بدین شکل که اولاً: صرف صدور عفو عمومی یا موردی یا مشروط، موجب زوال آثار تبعی نمی‌گردد، مگر اینکه به آن تصریح شده باشد. (تبصره ۴) پس تنها در عفو آثار کیفری آن مجازات اصلی زایل خواهد شد که مقام صادرکننده عفو به این مورد، یعنی رفع اثر اشاره کرده باشد؛ هم تبصره «۵» در مقام تعیین تکلیف در این حالت برآمده و مقرر داشته است: «در تمامی موارد، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم‌علیه رفع می‌گردد.»

از آنجایی که یکی از اهداف اعمال مجازات در هر سیستم قضایی، اصلاح مجرم و بازگرداندن او به راه صواب و خیر است، گاهی دور نگه داشتن افراد از جامعه و منع دخالت آنها در امور مهم، یکی از سیاست‌های سازنده اخلاقی و روشی بازدارنده و هدایت‌گراانه در جهت اصلاح هر فرد خاطی می‌باشد.

یعنی اگر محکوم به چهار سال حبس تعزیری محکوم شده باشد و مشمول عفو عمومی قرار گرفت و آزاد شد آثار تبعی آن پس از اتمام کامل دوران محکومیت مقرر در حکم بدوی، یعنی چهار سال، اتمام و رفع اثر خواهند شد. نتیجه اینکه، در کلیه عفوها، زمان رفع اثر از محکومیت‌های تبعی، زمانی خواهد بود که عملاً حکم اصلی پایان می‌یافت بدون اعمال عفو صادر شده.

اما نکته قابل توجه در زوال آثار محکومیت‌های تبعی این است که، چرا قانونگذار، باتوجه به اتمام آثار تبعی در نباید این دوره آثار تبعی را با نظر دادستان مجری حکم و مقام صادرکننده حکم و در قانون محاکم عمومی فعلی با نظر قاضی صادرکننده پیش‌بینی و در نظر گرفته باشد زیرا این مساعدت باعث بازگشت محکوم‌علیه به جامعه و راه اصلاح او را باز هموار خواهد ساخت.

نتیجه‌گیری:

از آنجایی که یکی از اهداف اعمال مجازات در هر سیستم قضایی، اصلاح مجرم و بازگرداندن او به راه صواب و خیر است، گاهی دور نگه داشتن افراد از جامعه و منع دخالت آنها در امور مهم، یکی از سیاست‌های سازنده اخلاقی و روشی بازدارنده و هدایت‌گراانه در جهت اصلاح هر فرد خاطی می‌باشد.

لذا هیچ‌گونه شک و تردیدی وجود ندارد که اعمال مجازات‌های تبعی (محرومیت‌های اجتماعی) برای رشد جامعه مؤثر خواهد بود. صرف نظر از اهمیت این نوع مجازات‌های تبعی که به حق افکار بیدار اجتماع نیاز آنها را احساس نموده و در قانون مجازات عمومی سابق کاملاً مورد توجه قرار داشته و شدت اعمال آنها، نمایانگر نظر و دیدگاه قانونگذار بوده تا مجرم ضمن اصلاح، محرکی برای بازگشت او به راه صواب وجود داشته باشد. ولی ملاحظه گردید که قانونگذار، بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، قریب به بیست سال

به لحاظ پرهیز و احتیاط لازم از هرگونه اعمال قانون خلاف شرع، این ماده یا این فصل از مجازات‌ها را مورد بی‌مهری قرار داده؛ و اما بعد از گذشت این فاصله زمانی زیاد، مجدداً به نیاز و خلاء آن پی‌برده و اصلاح و تغییراتی نه‌چندان آینده‌گرایانه، ضمن تلوین این ماده، به آن حیات مجدد داده که به‌هرحال به‌عنوان یک فرد از جامعه، تصویب مجدد آن را که به لطف اندیشمندان و دلسوزان حق و عدالت محقق شده، مایه امیدواری و تشکر از قانونگذار محترم می‌دانیم. اما بعد از این تحلیل مختصر یک مقایسه علمی و نگاهی دقیق‌تر در متن ماده (۶۲) مکرر با آنچه قبلاً در قانون سابق وجود داشته، ضمن نتیجه‌گیری، نکات قابل‌ذکری را مطرح می‌نماییم.

۱) یکی از مسئولیتهای مهم و قابل توجه شارع مقدس، مسئولیت قیم و امین و متولی و ناظر استصوابی بر اموال یتیم و یا موقوفات جامعه است، که نمی‌توان هر کسی را بر این کار مهم مأمور کرد. این منع و محرومیت برای یک فرد جانی از بدیهیا مسلم جامعه است؛ هر چند قانونگذار سابق در بند "۸" ماده (۱۵) قانون موصوف، آن را مورد توجه قرار داده بود، لکن در ماده (۶۲) مکرر جایگاهی پیدا نکرده است که جای تأمل و تعمق است. شاید در توجیه آن بتوان گفت که در اعطای چنین مسئولیتهایی دقت و گزینش لازم نیاز دارد. اما باید دانست که اهمیت موضوع، قانونی بودن آن را می‌طلبد.

۲) مستند ماده (۱۵) سابق این محرومیتها، می‌توانست به صورت تکمیلی یا مستقلاً یا تبعاً به‌عنوان مجازات بازدارنده و تأمینی مدنظر قاضی صادرکننده حکم قرار بگیرد؛ که در ماده (۶۲) مکرر این تمهیدات مشهود نمی‌باشد و حسن آن اختیارات، این بود که قاضی صادرکننده حکم بنا به تشخیص خود متناسب؛ احوال مجرم، اعمال مجازات تأمینی و بازدارنده را در حکم مورد توجه قرار می‌داد.

۳) در جرایم عمدی در حد جنایت، قانونگذار سابق، در اعمال مدت ایام محرومیت قایل به هیچ حصری نبوده و مضافاً بر این که، قاضی صادرکننده مخیر بود بعد از اتمام مجازات اصلی، مجدداً مجرم را به ممنوعیت از اقامت در محل معین یا اقامت اجباری به مدت سه سال محکوم کند. لکن مشاهده می‌گردد که ما در جرایم مستوجب قطع عضو یا قصاص نفس به پنج یا هفت سال محرومیت قناعت کرده‌ایم، که خود جای تأمل است؛ یعنی ما به یک قاتل، در قتل عمد، این اجازه را داده‌ایم که به مجلس مقننه یا شوراهای سرنوشت ساز جامعه راه یابد و یا هر مسئولیت مهم دیگری که در همان ماده (۶۲) مکرر مقرر شده، بر عهده بگیرد.

۴) یکی از روشهای متداول قانونگذاری این است که هر چند سالی یک‌بار (حداقل پنج الی ده سال یک‌بار) بعضی از مجازات‌ها به

تناسب میزان آن، با رشد فساد و گسترش آن جرایم، قانونگذار را وامی دارد تا میزان مجازات را افزایش دهد. که ملاحظه می‌گردد بعد از گذشت سالیان طولانی، میزان محرومیت (مجازات‌های تبعی) نه تنها افزایش نیافتند، بلکه به کمتر از حد مجازات قبلی نیز گاهی تقلیل پیدا کرده‌اند؛ به‌طور مثال در جرایم جنحه‌ای که به‌نوعی جرایم تعزیری محسوب می‌گردند، قبلاً میزان تحمل محرومیت پنج سال بوده که اکنون به دو سال کاهش یافته است.

۵) یکی از کاستیهای مهم ماده (۶۲) مکرر، جنبه مهمی از مجازات تبعی بوده که به سکوت برگزار گردیده و آن تقلیل یا اتمام دوره محکومیت‌های تبعی به‌طور فوق‌العاده به لحاظ بروز حسن اخلاق از مجرم در حین اجرای حکم اصلی یا تبعی است؛ که به‌حق یک دوراندیشی آینده‌نگرانه در جهت اصلاح مجرم و بازگرداندن او به حقوق اجتماعی وی بوده است. که متأسفانه قانونگذار، این جنبه از موضوع را مورد توجه قرار نداده است. در تبصره "۵" ماده (۱۹) قانون سابق، در جرایم جنحه و جنایت هرگاه محکوم‌علیه از خود حسن اخلاق در حین اجرای حکم اصلی یا تبعی نشان می‌داد، قاضی صادرکننده بنابه پیشنهاد دادستان مجری حکم می‌توانست اعمال تخفیف یعنی تقلیل آثار تبعی یا زوال کامل آن آثار محکومیت را در حکم ملحوظ دارد، که حقیقتاً از تمهیدات بسیار مفید به حال محکوم‌علیه بود.

به نظر می‌رسد، با توجه به ایرادات مزبور، ان‌شاءالله در آتی پس از گذر از بوته آزمایش عملی در محاکم و جامعه، معایب و کاستیهای آن تعیین و نیاز به بازنگری و اصلاح و تکمیل این ماده مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ماده (۱۵): مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی به‌قرار زیر است: ۱. محرومیت از تمام یا بعضی از حقوق اجتماعی ۲. اقامت اجباری در محل معین ۳. ممنوعیت از اقامت در محل معین ۴. محرومیت از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه یا کار معین و یا الزام به انجام امر معین ۵. بستن مؤسسه ۶. محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وصایت یا نظارت. این مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در صورتی که در حکم دادگاه قید شود تکمیلی و در مواردی که قانوناً و بدون قید در حکم دانه باشد تبعی است. ۲. تبصره "۳": محرومیت از حقوق اجتماعی دارای عواقب زیر است: ۱. محرومیت از حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن در مجالس مقننه ۲. محرومیت از حق عضویت در کلیه انجمنها و شوراهای جمعیه‌ای که اعضا آن به موجب قانون باید با راهی مردم انتخاب شوند ۳. محرومیت از عضویت در هیئت منصفه و هیئت امانا ۴. محرومیت از اشتغال در سازمانهای دولتی و شرکتهای ۵. محرومیت از استخدام در سازمانهای دولتی و شرکتهای و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداریها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی ۶. محرومیت از وکالت دادگستری و کارگشایی و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترپاری ۷. محرومیت از انتخاب شدن به سمت داور و کارشناسی در مراجع رسمی ۸. محرومیت از انتخاب شدن به سمت امین یا متولی یا ناظر یا تصدی موقوفات عام ۹. محرومیت از استعمال نشان و مدالهای دولتی و استفاده از امتیازات دولتی و عناوین افتخاری